نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام
جلد ۸/ شماره ۲/ پیاپی ۱۶/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (۱۶۷-۱۷۷)

نوع مقاله : پژوهشی

نقش‌های سوزنیِ نویافته در تخت‌جمشید (کاخ تچر و موزه تخت‌جمشید)

مجتبی دورودی[۱]*، فهیمه همایون[۲]، یونس زارع[۳]، کاظم فلاحی[۴]

چکیده

نقش‌های سوزنی از مهمترین یادمان‌های تاریخی پس از روزگار هخامنشی در تخت‌جمشید به‌شمار می‌روند. این آثار، تاکنون در دو مکان یعنی کاخ تچر و کاخ ملکه (موزه تخت‌جمشید) مشاهده شده است. درباره‌ی این نقوش و انتساب تاریخی‌شان پژوهشگران فرضیاتی چند را ارائه داده‌اند. از جمله اهداف پژوهش حاضر علاوه بر پرداختن به پیشینه‌ی مطالعات انجام شده بر روی این آثار، معرفی نقش‌های سوزنی نویافته‌ای است که پیش از این گزارشی درباره آنها منتشر نشده است. اینکه این آثار به کدام دوره تاریخی تعلق دارند؟ پرسش اصلی پژوهش حاضر است. آنگونه که از نظر خواهد گذشت شش نقش به کاخ تچر و دو نقشِ سوزنی نیز مربوط به موزه تخت‌جمشید هستند. در یک نگاه کلی این نقوش در کاخ تچر بر جرز شمالی درگاه غربی تالار جنوبی و نیز جرز شمالی درگاه شرقی همان تالار (جنوبی) دیده می‌شوند؛ همچنین در این کاخ بر بخش پائین دیواره‌ی درگاه شمالی (جرز شرقی) در تالار میانی، طرحی از یک زن وجود دارد که می‌توان آن را در شمار نقوش سوزنی با هنر یونانی در نظر گرفت. در موزه تخت‌جمشید نیز دو نقش درست در تالار ستوندار اصلی این مکان دیده می‌شود. که دربردارنده‌ی همان هنری است که در دیگر نقوش سوزنی تاکنون معرفی شده است. باید اشاره داشت این پژوهش بر پایه‌ی مطالعات اسنادی و بررسی میدانی به‌انجام رسیده است. با توجه به مستندات پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه ابراز داشت اغلب این نقوش مربوط به روزگار اوایل ساسانی است و تنها دو اثر دربردارنده‌ی هنری متفاوت است. که یکی یونانی و دیگری به هنر اسلامی وابسته است.

واژگان کلیدی: تخت‌جمشید، کاخ تچر، کاخ ملکه، موزه تخت‌جمشید، نقوش سوزنی.

ارجاع: دورودی، مجتبی؛ همایون، فهیمه؛ زارع، یونس؛ فلاحی، کاظم. ۱۴۰۲. نقش‌های سوزنیِ نویافته در تخت‌جمشید (کاخ تچر و موزه تخت‌جمشید). نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸ (۲): ۱۶۷-۱۷۷.

۱- کارشناس ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه شیراز، سرپرست موزه و عضو مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی تخت‌جمشید، شیراز، ایران.
* نویسنده مسئول: doroodi.official@gmail.com
۲- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، کارشناس پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید، تهران، ایران.
۳- کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، کارشناس پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید، اصفهان، ایران.
۴- کارشناس ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران.

تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

مقدمه

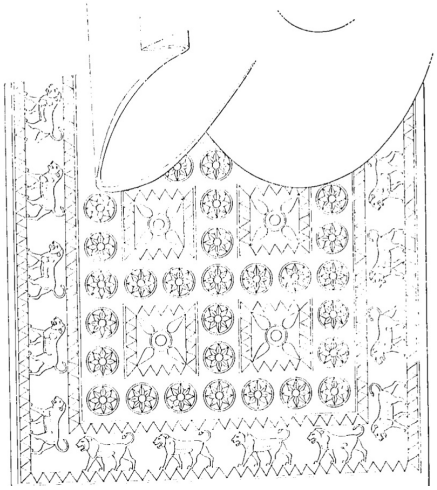
در تخت‌جمشید بر روی برخی از درگاه‌ها و کاخ‌های آن یادگارنویسی‌ها و نقش‌هایی دیده می‌شود که از دوران بعد از هخامنشی، تا دوران کنونی، توسط افراد مختلف نوشته شده و به نقش درآمده‌اند. دو کاخ تچر و کاخ ملکه (امروزه موزه تخت‌جمشید) از آن جمله هستند. کاخ تچر از مهم‌ترین کاخ‌های مجموعه تخت‌جمشید است که آغاز ساخت آن به دوران داریوش اول باز می‌گردد و در روزگارِ دیگر، پادشاهان هخامنشی گاه پذیرای تغییراتی شده است[xxxi]. این کاخ از یک منظر دیگر نیز بسیار حائز اهمیّت است و آن دربرداشتن مجموعه‌ای از کتیبه‌ها و نوشته‌های ایرانی از عهد باستان تا روزگار معاصر است؛ به‌گونه‌ای که از آن با عنوان موزه‌ی خطّ ایران یاد می‌شود (مخلصی،۱۳۸۴). نیز بنگرید به: (سامی،۱۳۵۳، ۲-۱۲). موزه‌ی تخت‌جمشید نیز که اشمیت از آن با عنوان حرمسرای خشیارشا یاد می‌کند؛ دربردارنده‌ی یادمان‌های پس از روزگار هخامنشی است که هرچند از منظر دربرداشتن کتیبه و متون نوشتاری قابل قیاس با کاخ تچر نیست؛ امّا نقش‌های سوزنی آن، شمار بیشتری دارد و پرکارتر از کاخ تچر طراحی شده‌اند که از این بابت به‌طرز ویژه‌ای خاص هستند[xxxi i]. نقوش سوزنی[xxxi i i] به نقش‌هایی اطلاق می‌شود که دربردارنده طرحی ظریف هستند و با ابزاری نوک تیز شبیه سوزن به نقش درآمده‌اند. بدون تردید پیشینه‌ی این هنر را می‌توان در پاره‌ای از تزئینات نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید بازجست (شکل ۱). با اینحال آنچه در گفتار حاضر دارای اهمیّت است؛ نقش‌هایی است که مربوط به روزگار پس از هخامنشیان است و تاکنون در تخت‌جمشید در دو کاخ تچر و موزه‌ی آن مکان مشاهده گردیده است. اهمیّت این آثار به‌گونه‌ای است که چندین تن از پژوهشگران برجسته، این نقوش را بررسی و تحلیل کرده‌اند و هرکدام از آنان به تناوب دوره‌ای تاریخی را برای به‌نقش درآوردنِ آنها عنوان کرده است. برخی این نقوش را به اوایل روزگار ساسانی منتسب می‌کنند و بعضی دیگر از پژوهشگران آنها را مربوط به نیایِ ساسانیان و حاکمان محلی فارس برمی‌شمارند.

اهداف و ضرورت پژوهش: آنچه مسلم است وجود این دسته از آثار بیانگر این امر است که پس از به آتش کشیده شدن تخت‌جمشید از سوی اسکندر مقدونی، این مکان به فراموشی سپرده نشده است و همچنان برای آنان دارای ارج و احترام بوده است. هشت نقش سوزنی در پژوهش حاضر نیز ازجمله نویافته‌هایی به‌شمار می‌روند که علاوه بر اینکه برای نخستین‌بار معرفی می‌شوند؛ باب تازه‌ای را پیرامون ماهیّت این نقوش می‌گشایند که این خود بیانگر اهمیّت آنان است.

پرسش و فرضیه (اصلی و فرعی) : پژوهشگران در هنگام بررسی این نقوش با دو سئوال اساسی مواجه هستند: نخست، این نقوش به کدام دوره‌ی تاریخی تعلق دارد؟ دو دیگر این نقوش بر صفحات و دیواره‌ی کاخ‌های هخامنشی دربردارنده‌ی چه محتوا و پیامی هستند؟ با توجه به آنچه از نظر خواهد گذشت؛ شش نقش سوزنیِ نویافته مربوط به روزگار پیش از ساسانیان است و یک نقش نیز به احتمال زیاد دارای هنر یونانی است و سرانجام یک اثر نیز به عهد اسلامی بازمی‌گردد.

روش تحقیق: این پژوهش بر پایه‌ی مطالعات اسنادی و بررسی میدانی به‌انجام رسیده است.

پیشینه تحقیق: نخستین‌بار یک افسرِ باستان‌شناس فرانسوی به‌نام الوت دولافویی بود که در سال ۱۹۲۸ میلادی، گزارشی از یکی از نقش‌های سوزنی (امروزه در دریچه سنگی شرقی تالار موزه تخت‌جمشید) ارائه داد و آن نقش را با اردشیر اول ساسانی منطبق دانست (Allotte de la Füye,1928). این نقش پیش‌تر توسط رونالد دومکنم[xxxi v] شناسایی و در اختیار دولافویی قرار گرفت (Schmidt,1953, 258). هرتسفلد در سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۴۱ به سه نقش سوزنی که در کاخ تچر و موزه تخت‌جمشید حکاکی شده‌اند، توجه نشان داد. ایشان نقشی را که پیشتر دولافویی از آنِ اردشیر اول پنداشته بود (شکل ۲)؛ متعلق به بابک می‌داند (Herztfeld,1941,308).



شکل ۱- طراحی ظریف نقش‌برجسته در بدنه غربی درگاه غربی شمال تالار صدستون در تخت‌جمشید بر فرش شاه هخامنشی، پیش‌نمونه‌ای از هنر سوزنی در آن روزگار (Koch,1992,200-201).

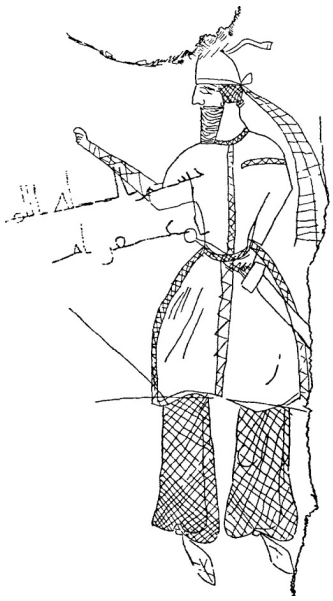
او همچنین به توصیف صحنه‌ای دیگر از نقوش سوزنی (امروزه پائین پنجره سنگی، غرب ایوان موزه)، می‌پردازد (شکل ۳) و آنها را به اردشیر اول ساسانی و برادرش شاپور بابکان، بابک و منوچهر از پادشاهان محلی استخر منتسب می‌کند (Herztfeld,1935,80-81). یک طرح سوزنی در کاخ تچر نیز موضوعی است که هرتسفلد نخستین‌بار بدان می‌پردازد (شکل ۴) و آن را متعلق به شاپور پسر بابک و برادر اردشیر می‌داند (همان‌منبع)، نیز: (Herztfeld,1941,307). این نقش در پژوهش حاضر بسیار اهمیّت دارد؛ چرا که یکی از نقوش نویافته که بدان پرداخته خواهد شد در زیر همین نقش سوزنی مشاهده شده است (شکل:۷).



شکل ۲- طرح دولافویی از نقش سوزنی دریچه شرقی ایوانِ موزه تخت‌جمشید (Allotte de la Füye,1928,168).



شکل ۳- طرح مربوط به نقش‌های سوزنی پائین پنجره سنگی غربی ایوان موزه، تصویر برگرفته از: (Callieri,2014,109).



ش‌کل ۴- طرح هرتسفلد از نقش سوزنی در جرز شمالی، درگاه شرقی تالار جنوبی (Herztfeld,1941,307).

هرتسفلد همچنین نقوش سوزنی را بر روی کفش پیکره داریوش در کاخ تچر مشاهده می‌کند و طرح آن را مربوط به پیش از ۵۰۰ قبل از میلاد می‌داند و درباره‌ی آن می‌گوید: «در این طرح کوچک که فقط ۲.۵ سانتی‌متر مربع اندازه دارد، دو سر آدمی با وسیله‌ای نوک تیز بر روی سنگ سختی حکاکی شده است که باید بخشی از کفش پیکره داریوش باشد. از آنجایی که این طرح پیش از آنکه کفش داریوش را رنگ قرمز، بزنند طراحی شده است؛ تاریخ آن باید به دوره قدیم‌تری، یعنی پیش از ۵۰۰ ق. م برسد» (Herztfeld,1941,251). پسان‌تر بُردمن، این نقوش سوزنی را دارای سبک یونانی و مربوط به پس از روزگار هخامنشی معرفی می‌کند (Boardman,2000,132). این نقش امروزه از جایگاه اصلی خود خارج شده و در نیویورک است. در شکل ۵ نقش سوزنی و جایگاه اصلی آن در کاخ تچر قابل مشاهده است (شکل ۵).



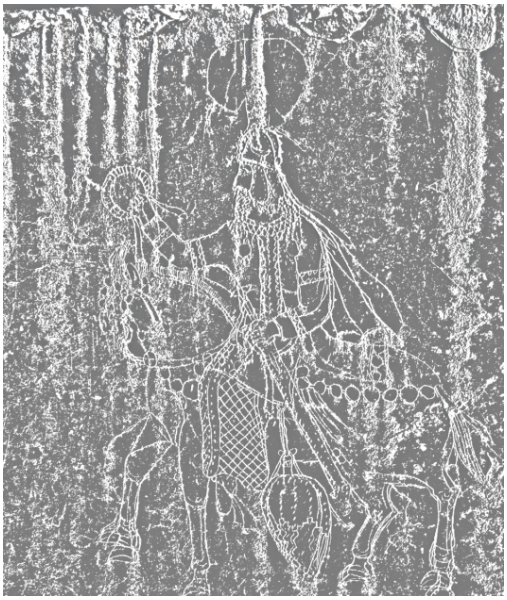
شکل ۵- عکس راست: نقش سوزنی که که بخشی از کفش داریوش در کاخ تچر بوده است و امروزه در نیویورک است (Boardman,۲۰۰۰,۱۳۲).



شکل ۵ عکس چپ: جایگاه اصلی نقش سوزنی که امروزه خالی است (فهیمه همایون).

اشمیت که از سوی موسسه شرق‌شناسی شیگاکو مأمور به کاوش در تخت‌جمشید بود نیز، علاوه بر اشاره به یافته‌های دولافویی و هرتسفلد، یکی دیگر از نقش‌های سوزنی موجود در موزه تخت‌جمشید را شناسایی و معرفی کرد (Schmidt,1953,258). این نقش در بخش غربیِ دیوارِ جنوبی تالار اصلی قرار دارد (شکل ۶). سامی از جمله ایرانیان پیش‌رو در پرداختن به نقوش سوزنی به‌شمار می‌رود. ایشان علاوه بر تحلیل محتوایی نقوش سوزنیِ یاد شده؛ به معرفی نقش سوزنی جدیدی که حیوانی را به‌تصویر کشیده است می‌پردازد و آن را حیوانی شبیه به سگ عنوان می‌کند (سامی،۱۳۳۸، ۲۷۳-۲۷۶). هرچند که امروزه می‌دانیم این نقش به یک شیر تعلق دارد. باید گفت طرح‌هایی را که سامی در مستندات خود ارائه داده است؛ توسط تقی آصفی بارزس فنی اداره کل باستان‌شناسی وقت تهیه شده است. دراین‌باره نک: (سامی،۱۳۸۹، ۳۵۱-۳۵۲). کالمایر (Calmeyer,1976,65-67)، نیز با ارائه‌ی طرح‌هایی از آن‌ها به تحلیل و توصیف این نقوش پرداخته است. همچنین بنگرید به:

ابکایی‌خاوری (Abka'I Khavari,2000, 31-37). کورتیس و فینکل در ۱۹۹۹ به نقش‌ها و علامت‌هایی که در پنجره‌های ایوان موزه تخت‌جمشید وجود دارند، توجه کرده و آنها را کنده‌کاری ویژه بازی دانسته‌اند (Curtis & Finkel,1999,45-48). رزمجو در سال ۱۳۷۹ به معرفی شش نوشته به آرامی و عبری در پنجره‌های موزه تخت‌جمشید در مجاورت نقش‌های سوزنی پرداخته است (رزمجو،۱۳۷۹، ۹۲-۹۳). ایشان در مقاله دیگری در سال ۲۰۰۵ م. به تحلیل نقوش سوزنی پرداخته است که در این میان، به‌نظر می‌رسد یکی از نقش‌های معرفی شده برای نخستین‌بار معرفی گردیده است (Razmjou,2005,315-341[xxxv]) هرچند که پیش از ایشان باربارا گرونوالد در۱۹۷۶ مم. این تصویر را مستندنگاری کرده ات (Calmeyer,1976,67)). پژوهشگران دیگری از جمله کالیری ۲۰۰۶ م. به تحلیل محتوایی این نقوش پرداخته‌اد (Callieri,2006,129-148)). آنچه که در فرازهای زیر از نظر خواهد گذشت؛ نقوش سوزنی نویافته‌ای است که در پژوهش حاضر برای نخستین‌بار معرفی و ارائه می‌گردند.



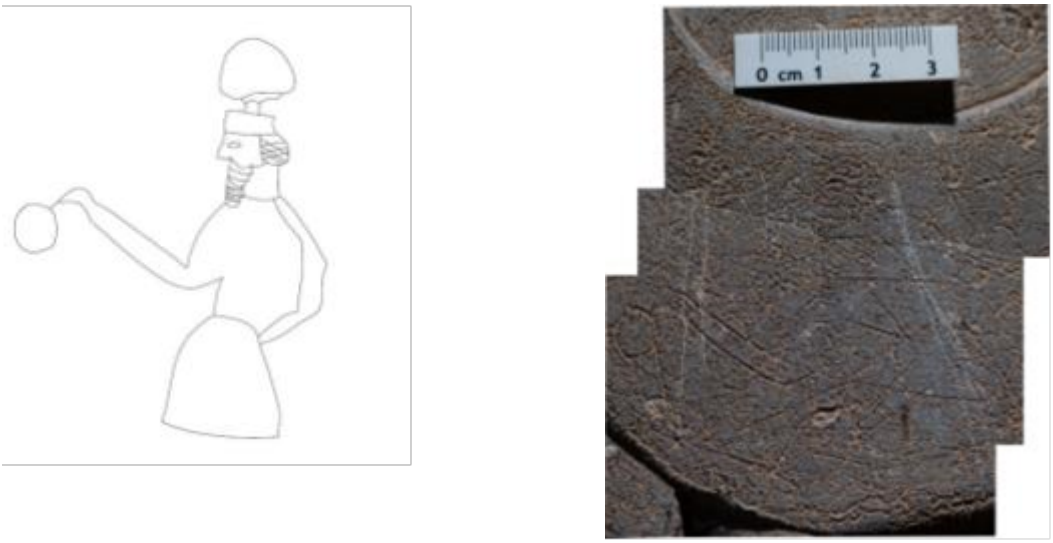
شکل ۶- نقش سوزنی در تالار اصلی موزه که اشمیت آن را شناسایی کرد (عکس از: عرفان شکرریز).

با توجه به قدمت کاخ تچر به عنوان یکی از نخستین بناهای تخت‌جمشید، در پژوهش حاضر کوشش شده است که نخست به نقش‌های نویافته موجود در این کاخ پرداخته شود. پس از آن نقوش سوزنی موجود در موزه تخت‌جمشید بررسی و معرفی می‌شوند. همچنین بایسته است به این نکته اشاره شود که این پژوهش بر مبنای مطالعات اسنادی و جستجوهای میدانی صورت گرفته است.

الف: کاخ تچر

همانگونه که اشاره شد، نخستین‌بار ارنست هرتسفلد به نقش‌های سوزنی موجود در کاخ تچر توجه نشان داد. یکی از نقش‌هایی که ایشان معرفی کرد بر جرز شمالی درگاه شرقی تالار جنوبی و بر روی ردای نقش‌برجسته دیده می‌شود (شکل ۴)؛ که در این پژوهش از آن با عنوان نقش سوزنی A یاد می‌شود (Herztfeld,1941,307). در زیر همین اثر، نقش سوزنی دیگری وجود دارد که تاکنون بدان اشاره نشده است. علت اینکه نقش حاضر از چشمان هرتسفلد پوشیده مانده است، ابعاد کوچک و طرح بسیار ضعیف آن است که تنها در ساعتهای خاصی از روز و با دقت زیاد قابل دیدن است. در پژوهش حاضر از این نقش با عنوان نقش سوزنی B در کاخ تچر یاد می‌شود. برای دیدن جانمایی نقوش A و B نک: (شکل ۱۳). در این طرح نیم‌تنه بالایی مردی دیده می‌شود که دست چپش را بر کمر زده است و دست راست در حال دریافت حلقه‌ای است که کمی با او فاصله دارد. چهره مرد که از نیم‌رخ دیده می‌شود؛ روی به سمت راست دارد. ریش بلندش با خطوط موازی با کمی خمیدگی طراحی شده است و

چشم و بینی بزرگ او به خوبی نمایان است. فرم کلاهش دارای دو قسمت است، نخست بخش زیرین و دوم طرحی که بر فراز آن قرار دارد. موهای پشت سر نیز، در زیر کلاه بیرون زده است. نیم‌تنهٔ پائین، دربردانده‌ی ردایِ دامن‌گونه نقش است (طرح و شکل ۷). همان‌گونه که اشاره شد هرتسفلد نقش A را متعلق به شاپور برادر اردشیر می‌داند (شکل ۴). آیا نقش B می‌تواند تداعی کنندهٔ اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله ساسانی و برادر کوچک‌تر شاپور باشد؟ کسی که سرانجام قدرت و پادشاهی را در خاندان ساسانی به‌دست آورده است؟ پاسخ به این پرسش را به بررسی‌های بیشتر در آینده می‌سپاریم و به دیگر نقش‌های موجود در کاخ تچر می‌پردازیم. نقوش سوزنی دیگر بر جرز شمالی درگاه غربیِ تالار جنوبی یعنی درست در قرینه درگاه شرقی (نقشهای A و B) دیده می‌شوند که با حرف C، D و E شماره‌گذاری شده است. برای مشاهده جانمایی این نقش‌ها نک: (شکل ۱۳).



شکل ۷- نقش سوزنی نویافته و طرح آن در کاخ تچر (عکس از: محمدرضا علی‌خواه، طرح از: فهیمه همایون).

نخستین نقش که از آن با عنوان نقش C یاد می‌شود؛ مربوط به یک بز کوهی است. این حیوان، روی به سمت درگاه شرقی به تصویر درآمده است. طرحِ پاها، سُم‌ها و کفلِ بزِ کوهی به‌گونه‌ای است که آن را در حال دویدن نشان می‌دهد. بر روی سینه آن، گل نیلوفری با ۵ گلبرگ دیده می‌شود که یکی از گلبرگ‌ها دچار فرسایش شدید شده است. یکی از شاخ‌های بزکوهی به‌طرز ماهرانه‌ای ترسیم شده است و چون این نقش از نیم‌رخ به تصویر درآمده، طبیعی است که شاخ دوم در آن دیده نشود. ریش بزکوهی با خط‌های موازی ترسیم شده است. ازجمله ظرافت‌های موجود در این نقش خط‌هایی است که فواصل میان سم بزکوهی را نشان می‌دهد به‌همراه خطوطی که بر روی شاخ دیده می‌شوند (شکل ۸).



شکل ۸- تصویر بزکوهی و طرح آن در کاخ تچر (فهیمه همایون).

در پشت سر همین بزکوهی دو نقش سوزنیِ انسانی وجود دارد که اگرچه به شدت آسیب دیده‌اند؛ اما کاملاً با دیگر نقوش سوزنی که تاکنون یافته شده‌اند شباهت دارد. به‌عبارت دیگر این نقوش دربردارنده‌ی شاخصه‌های همان هنری هستند که مربوط به نقوش سوزنی در تخت‌جمشید است. یکی از آن‌ها کمی بالاتر از نقش بزکوهی به‌تصویر درآمده است و مربوط به مردی است که ردایی به تن دارد که نقش D در پژوهش حاضر را در بردارد و در پشت سر همان بزکوهی و اندکی پائین‌تر از آن، سر مردی مشاهده می‌شود که کلاهی گرد بر سر دارد و در این گفتار از آن با عنوان نقش Eیاد می‌شود (شکل ۹). اینکه این نقوش دربردارنده‌ی ساختاری کهن و مربوط به روزگار ساسانی و یا پیش از آن هستند، قطعی است اما اینکه به چه کسانی تعلق داشته باشند؛ مبهم است. کلاه شیاردار مرد شماره D یادآور تاج تعدادی از شاهان محلی پارس نیز هست، ازجمله با تاج اردشیر دوم از گروه حاکمان محلی پارس شباهت دارد. برای دیدن سکه اردشیر دوم نک: (Hil,1922,Pl.XXXIII) نیز: (شکل ۱۰) و مرد شماره E کلاهی بر سر دارد که بی‌شباهت با تاج و کلاه شاپور برادر اردشیر نیست. برای دیدن سکه شاپور دوم نک : (Haerinck & Overlaet,2008, 224) نیز: (شکل ۱۰). این تاج و کلاه پیش‌تر در دریچه سنگی شرقی تالار موزه تخت‌جمشید نیز دیده شده است (شکل ۲). با توجه به وجود این نقش‌های سوزنی که در پشت نگاره بزکوهی دیده می‌شوند؛ دور از ذهن نسیت که این بزکوهی هم مربوط به روزگار ساسانی باشد.



شکل ۹- نقش‌های سوزنی نویافته D به همراه دو طرح از نقش E عکس از: (محمدرضا علی‌خواه، طرح از: فهیمه همایون).



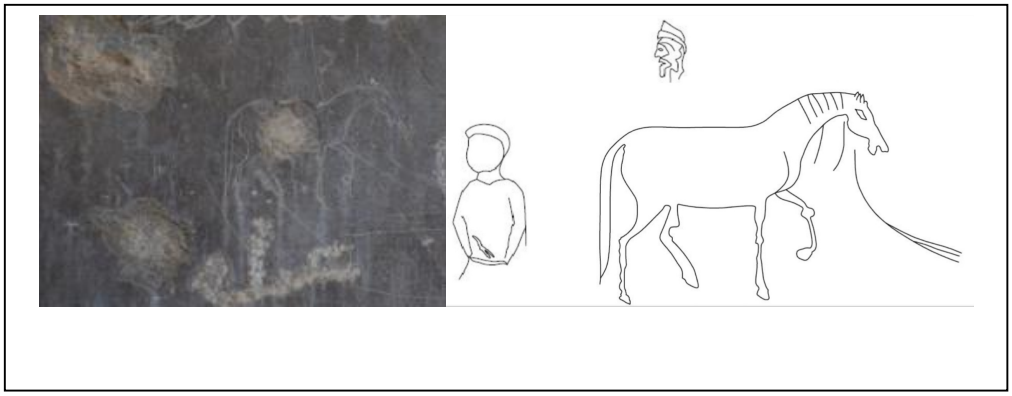
ش‌کل ۱۰- سکه سمت راست از اردشیر دوم از حاکمان محلی فارس قیاس شود با نقش سوزنی D و سکه سمت چپ مربوط به شاپور، قیاس شود با نقش B (فلاحی،۱۴۰۲: ۹۱).

در کاخ تچر چندین طرح از نقوش سوزنی دیده می‌شود که برخی از آنها بسیار ضعیف و محو شده‌اند؛ هرچند که می‌توان شبَحی از آنها را تشخیص داد با اینحال تعدادی از آنها نیز به‌روشنی قابل دیدن هستند. در ایوان مرکزی کاخ تچر بر ستون درگاه شمالی، جرز غربی به سمت ایوان، نقش بانویی مشاهده می‌شود که در حالت چمباتمه نشسته است و گُلی در دست دارد که در پژوهش حاضر با شماره F مشخص شده است. برای دیدن جانمایی این نقش‌نک: (شکل ۱۳). برای ایجاد این طرح از خراش‌هایی شعله‌وار و متناوب استفاده شده است، به‌عنوان مثال این طرح در قسمتی که دهان را به نمایش می‌گذارد در ظاهر، تداعی کننده سبیل مردانه است؛ اما دقت در آن نشان می‌دهد که این بخش نیز دهان است که از سبک کلی نقش پیروی می‌کند (شکل ۱۱). وجود چنین تکنیکی در آثاری که تاکنون دیده شده یگانه است؛ اما این نقش در مجاورت همان نقش سوزنی قرار دارد که هرتسفلد بدان علاقه داشت و پیش‌تر در این گفتار از آن سخن رفت و امروزه در موزه متروپولیتن نیویورک است. نک: (شکل ۵) چه بسا بتوان این طرح را نیز اثری یونانی پنداشت! یکی دیگر از نقش‌های موجود در کاخ تچر که بدون

تردید به دوران اسلامی تعلق دارد؛ در یکی از پنجره‌های سنگی غربی در ایوان مرکزی دیده می‌شود. برای بررسی جانمایی این نقش‌نک: (شکل ۱۳). این نقش که در زیر کتیبهٔ ابراهیم سلطان قرار دارد، در خوانشی که مخلصی از کتیبه ارائه داده است نیز به سختی دیده می‌شود (مخلصی،۱۳۸۴، ۱۲۸). در این طرح یک اسب و دو مرد قابل شناسایی هستند (تصویر ۱۲).

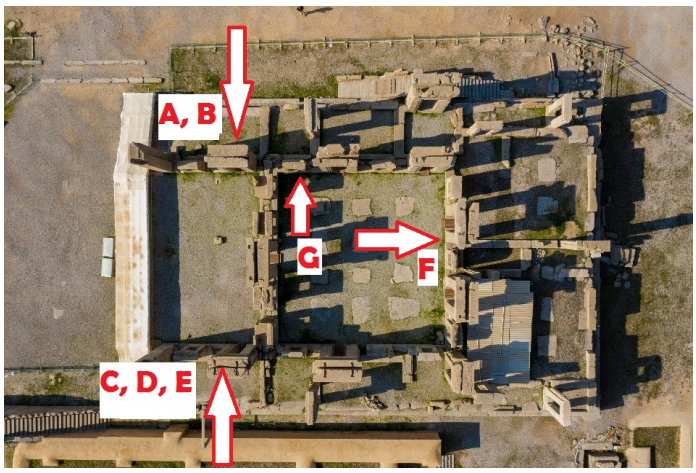


شکل ۱۱- نقش F در پژوهش حاضر (عکس از: محمدرضا علی‌خواه، طرح از: فهیمه همایون).



شکل ۱۲- نقش G که طرحی از اسب و دو مرد در آن دیده می‌شود. عکس و طرح: (فهیمه همایون).

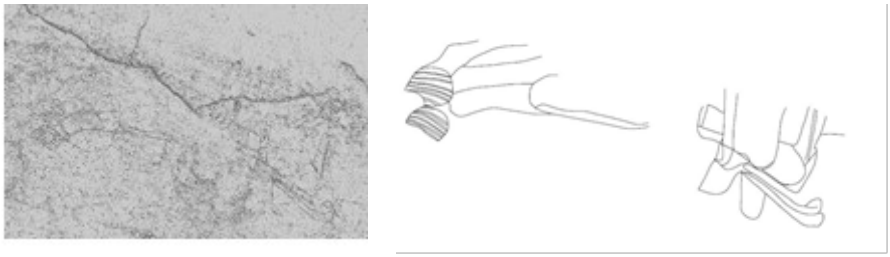
اسب به طرز جانداری به تصویر درآمده است و به‌نظر می‌رسد دارای زین و افسار هم بوده است. بخشی که زین اسب را دربرداشته آسیب دیده است؛ اما خط ممتدی که از دهان او تا زمین ادامه دارد نشان از افسار اوست که آزاد و در حال چریدن رها شده است. دست‌ها و پاهای اسب هم از پویایی و جانداری خاصی برخوردار هستند. بالاتر از کمرگاه اسب سر مردی با ریش صاف و بلند دیده می‌شود. پشت سر اسب نیز مردی در حالت نشسته قرار دارد که خنجری بر کمر و سرپوشی بر سر دارد. این نقش نیز در نهایت سادگی و بی‌پیرایگی امّا بسیار جاندار به تصویر درآمده است. رشته بلندی که در دست مرد قرار دارد، نشان از افسار حیوانی دیگر است که به کلی آسیب دیده است. چه بسا که این تصویر بیانگر یک ساربان باشد.



شکل ۱۳- جانمایی نقوش سوزنی و گرافیتی نویافته در کاخ تچر، شماره A پیش‌تر توسط هرتسفلد معرفی شده است (نگارندگان).

ب: موزه تخت‌جمشید

همانگونه که اشاره شد در موزه تخت‌جمشید آثار سوزنی ویژه‌ای وجود دارد. هرچند که دومکنم پیش از کاوش‌های حرفه‌ای تخت‌جمشید، نخستین شواهد این نقوش را در تاقچه سنگی ایوان موزه دید و دولافویی نخستین گزارش را از آنها انتشار داد (Schmidt,1953,258). همچنین بنگرید به: (Allotte de la Füye,1928). امّا پس از خاکبرداری‌های هرتسفلد و کشف شواهد بیشتری از این نقوش، به‌ویژه در بخش‌هایی که در زیر خاک قرار داشتند؛ بر اهمیت آنها افزوده گردید و موجب پیدایی تعداد بیشتری از این نقوش شد که در پیشینه پژوهش حاضر از نظر گذشت. در این جُستار تعداد دیگری از این نقوش معرفی می‌شوند که تاکنون از دید پژوهشگران پنهان مانده بود. این نقوش در تالار مرکزی موزه تخت‌جمشید دیده شده‌اند. در این تالار پیش‌تر نقش‌های سوزنی دو مرد سوار و یک مرد ایستاده بر دیوار جنوبی تالار مرکزی و سمت راستِ درب جنوب غربی همین تالار مستندنگاری شده بود (Calmeyer,1976,66). نیز: (Razmjou,2005,341.fig.13). یکی از نقوش سوزنی نویافته درست در دیوار سمت راست کناری، در جنب همین مجموعه نقوش قرار دارد. این نقش دست‌های اسبی در حال تاختن را نشان می‌دهد. بخش بیشتر این پیکره شکسته بوده است و آثار سیمان مربوط به مرمت سال‌های گذشته آن را پوشانده است. قطعاً این اسب، سوارکاری نیز داشته است که پاهای او در رکابِ اسب، هنوز به خوبی قابل تشخیص است (شکل ۱۴).



شکل ۱۴- دستهای اسب در حال تاخت، اندام اسب و سوارکار آن از بین رفته است (عکس: عرفان شکرریز، طرح: فهیمه همایون).

نقش سوزنی دوم در تالار مرکزی موزه تخت‌جمشید مشاهده شده است که بسیار دارای اهمیّت است و چه بسا مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر به‌شمار رود. این نقش در قرینه نقش‌های سوزنی پیش‌تر یافته شده است و در دیوار شمالی تالار مرکزی و سمت چپ درب خروجی کنونیِ موزه تخت‌جمشید قرار دارد (شکل ۱۵) که چهره مردی با شمایل اشکانی است. فرم چهره، نشان از شخصیتی محتشم دارد که کلاهی با طرح لوزی بر سر دارد. خطهای ظریفی، بیانگر عبا یا ردای او به‌شمار می‌روند. سر مرد، به‌مانند پادشاهان اشکانی و تعدادی از حاکمان محلی پارس، آنگونه که در سکه‌هایشان دیده می‌شود؛ روی به سمت چپ دارد. هرچند که برای انتساب این شخصیت، هنوز نمی‌توان فرضیه‌ای، قطعی را بیان داشت اما این نقش با چهره داریوش دوم از حاکمان محلی فارس که در سکه‌هایش دیده می‌شود شباهت زیادی دارد (شکل ۱۶).





شکل ۱۵- تصویر نقش سوزنی جدید در تالار مرکزی موز تخت‌جمشید (عکس از: عرفان شکرریز، طرح از: فهیمه همایون).



شکل ۱۶- تصویر داریوش دوم از گروه سوم حاکمان محلی فارس (فلاحی،۱۴۰۱: ۹۰).

نتیجه گیری

آنگونه که بیان شد؛ نقش‌های سوزنیِ تخت‌جمشید، پیش از کاوش‌های باستان‌شناسیِ آن مکان، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده بود. همزمان با نخستین کاوش‌های صورت گرفته و کشف این نقوش پس از خاکبرداری، اهمیّت آنها به‌عنوان اسنادی ارزشمند هویدا گردید. به‌ویژه که بنابر نظر پاره‌ای از دانشمندان این نقوش می‌توانست بیانگر سده‌هایی از تاریخ پارس باشد که در ابهام قرار داشته است. یافته شدن تعدادی از نقوش سوزنی جدید که در این پژوهش بدان اشاره شد در ادامه روند بررسی‌های پیشین قرار دارد. بسیاری از پژوهشگران این آثار را مربوط به روزگار پیش از ساسانیان و گاه در لوای نیای ساسانیان عنوان کرده‌اند. شش نقش سوزنی نویافته در پژوهش حاضر به احتمال زیاد مربوط به اوایل روزگار ساسانی است. چرا که از یک‌سوی شباهت بسیاری با نقوش سوزنی پیش‌تر یافته شده دارند و از سوی دیگر در همان جایگاهی مشاهده شده‌اند که نقوش پیشین قرار دارند. دو نقش نیز می‌توانند؛ به هنرهای یونانی و اسلامی تعلق داشته باشند. چهار نقش از شش نقش سوزنیِ موجود در کاخ تچر که با حروف B، C، D و E معرفی گردیده‌اند به احتمال زیاد می‌توانند مربوط به روزگار پیش‌از ساسانیان یا آغاز ساسانی باشند. نقش F دربردارنده شیوه و تکنیک خاصی است که پی بردن به خاستگاه هنری آن دشوار است با اینحال نزدیکی مکان آن به نقش سوزنیِ موسوم به یونانی که امروزه در نیویورک است احتمال ایمکه بتوان آن را به هنر یونانی نزدیک دانست افرایش می‌دهد. نقش G نیز شاخص‌های هنر اسلامی را در خود دارد. دو نقش سوزنی نویافته در موزه تخت‌جمشید نیز به احتمال زیاد به روزگار پیش از ساسانی تعلق دارند این نقوش حامل یک پیام دیگر نیز هستند و آن این است که: «تخت‌جمشید پس از هخامنشیان، یکسره به فراموشی سپرده نشده است». سرانجام باید اشاره داشت یافته شدن این نقوش می‌تواند بشارت دهندهٔ وجود نقوش سوزنی دیگری نیز باشد که چه بسا بتوان با روش‌های علمی نوین به‌ویژه در حوزه تصویربرداری، آن‌ها را مستندنگاری و معرفی کرد.

سپاسگزاری

شایسته است از دوستان بزرگواری که در به انجام رسیدن پژوهش حاضر با نظرات و همکاری‌های خود در کنارمان بوده‌اند سپاس‌گزاری شود از جمله آقایان محمدرضا علی‌خواه و عرفان شکرریز و دوست بزرگوار جناب محمدعلی مصلی‌نژاد که زحمت عکس‌برداری از این آثار بر عهده ایشان بود. از جناب دکتر رضا نوروزی مدیریت پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید به‌خاطر مشاوره‌ها و همراهی با نگارندگان سپاسگزاریم.

پی نوشت

۱.برای بررسی باستان‌شناسی کاخ تچر بنگرید به: (Schmidt,1953,222-227).

۲.برای بررسی باستان‌شناسی حرمسرای خشیارشا بنگرید به: (Schmidt,1953,255-264).

۳. graffiti

۴. Roland de Mecquenem

۵. این نقش سوزنی تصویر شماه ۱۳ اثر ایشان را دربردارد که به تالار موزه تخت‌جمشید (حرمسرای خشیارشا) تعلق دارد امّا در زیر تصویر جایگاه آن در کاخ داریوش عنوان شده است که صحیح نیست (Razmjou,2005, 341, fig.13)

کتابنامه

۱.رزمجو، شاهرخ. ۱۳۷۹. «کتیبه‌های نویافته در تخت‌جمشید». دو فصلنامه باستان‌شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی، شماره‌ی ۱، سال ۱۳، پیاپی ۲۵، تابستان، صص: ۹۳-۹۲.

۲.سامی، علی. ۱۳۳۸. گزارش‌های باستان‌شناسی مجلد چهارم، مشتمل بر حفاری و خاکبرداری و تعمیرات پاسارگاد و تخت‌جمشید از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۸ خورشیدی. شیراز: موسوی شیراز، چاپ اول.

۳.سامی، علی.۱۳۵۳. «یادبود دیدار پادشاهان از (تچر) کاخ داریوش بزرگ در تخت‌جمشید». هنر و مردم، شماره‌ی ۱۴۸، صص: ۱۲-۲.

۴. سامی، علی. ۱۳۸۹. تمدن ساسانی. دوره دو جلدی، تهران: سمت، چاپ دوم.

۵. مخلصی، محمدعلی. ۱۳۸۴. پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت‌جمشید (کاخ داریوش). تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، چاپ اول.

٦. فلاحی، کاظم. ۱۴۰۲. شاهک‌های محلی پارس (پرترکه‌ها) پس از یورش اسکندر و آثار برجای مانده از آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته ایرانشناسی، مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

7. Abka’i-khavari, Manijeh 2000, Das Bild des Königs in der Sasanidenzeit (Texte und Studien zur Orientalistik 13). Hildesheim-Zürich- New York: Georg Olms Verlag, The first edition.

8. Allotte de la Füye, François-Maurice, 1928,“Graffitis relevés en 1928 dans les ruines de Persépolis”. Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale (25) ,159-168 .

9. Boardman,John 2000, Persia and the West: An Archaeological Investigation of the Genesis of Achaemenid Persian Art. New York: Thames & Hudson. The first edition .

10. Callieri, Pierfrancesco., 2006,“At the Roots of the Sasanian Royal Imagery: the Persepolis Graffiti”. in Ērān ud Anērān : studies presented to Boris Il'ič Maršak on the occasion of his 70th birthday, eds. M. Compareti, P. Raffetta, G. Scarcia, Venezia: Cafoscarina, 129-148.

11. Callieri, Pierfrancesco., 2014, “The Cultural Heritage of the Aristocracy of Persis during the Hellenistic Period”. In Excavating an Empire: Achaemenid Persia in Longue Durée. Edited by T. Daryaee, A. Mousavi, and K. Rezakhani, 88–121.

12. Costa Mesa, CA: Mazda.Calmeyer,Peter.,1976,“Zur Genese altiranischer Motive V”.Synarchie.AMI N.F.9, pp.63-95.

13. Curtis, John, & Finkel, Irving., 1999,“Game Boards and Other Incised Graffiti at Persepolis”. In: Journal of the British Institute of Persian Studies. Vol.37, Issue1.pp. 45-48.

14. Haerinck, Erine, & Overlaet, Bruno., 2008,“Altar shrines and fire altars? architectural rpresentations on Frataraka coinage”. Iranica Antiqua 43,pp. 207–233.

15. Herzfeld, Ernst 1935, Archaeological History of Iran. London: Oxford University Press, The first edition .

16. Herzfeld, Ernst 1941, Iran in the Ancient East. London & New York: Oxford University Press, The first edition.

17. Hill, George Francis, 1922, A catalogue of the Greek coins of Arabia, Mesopotamia and Persia. London: British Museum Dept of Coins and Medals, The first edition.

18. Koch,Heidemarie 1992, Es kundet Dareios der Konig: vom Leben im persischen Grossreich. Mainz & Rhein: Philipp Von Zabern. The first edition.

19. Razmjou,Shahrokh, 2005, “Ernst Herzfeld and the Study of Graffiti at Persepolis”, in ed. A. C. Gunter, S. K. Hauser, Ernst Herzfeld and the Development of Near Eastern Studies, 1900-1950, Leiden.pp. 315-341 .

20. Schmidt, Erich Friedrich, 1953, Persepolis. I. Structures. Reliefs. Inscriptions (Oriental Institute Publications,LXVIII). Chicago, Illinois: University of Chicago. The first edition.